



اشاره:

اروپا روزهای پرتب و تایی را می‌گذراند و تحولاتی که در این قاره به‌ویژه بخش غربی آن در حال رخ دادن است، یکی از بحث‌های روز محافل اقتصادی و سیاسی جهان به‌شمار می‌رود.

کشورهایی که در جامعه اروپا گرد آمده‌اند، اینک کانون توجه این محافل هستند، چراکه هر رویدادی در این جامعه می‌تواند اثرات شدید و موثری - چه مثبت و چه منفی - در کل جهان داشته باشد.

بنابراین آشنایی با این جامعه و ویژگی‌های آن برای مدیران و دست‌اندرکاران مسایل اقتصادی کشورمان که با کشورهای عضو آن ارتباط اقتصادی دارند یک ضرورت است. اما اغلب مطالبی که در مطبوعات و رسانه‌های کشورمان مورد استناد قرار می‌گیرد، از منابع غربی است و کمتر یک کارشناس ایرانی و آشنا به ساز و کارهای اقتصادی غرب بخصوص اروپا به معرفی ویژگیها و روندی که جامعه اروپا طی می‌کند، پرداخته است.

گفتگوی دکتر ثقفی نژاد با تدبیر

## اتحاد اروپا امکانات تازه‌ای برای کشور ما ایجاد می‌کند

آنچه در پی می‌آید حاصل گفتگوی تدبیر با آقای دکتر ثقفی نژاد استاد ایرانی دانشگاه‌های آمریکا است که هم‌اینک علاوه بر تدریس در دانشکده بازرگانی و مدیریت لویولا کالج در بالتیمور ایالت مریلند به‌عنوان مشاور سازمان ملل متحد در مورد شرکت‌های بین‌المللی فعالیت دارد. این مصاحبه، چندی پیش که وی به دعوت سازمان مدیریت صنعتی برای ارائه چند سمینار علمی به ایران آمده بود انجام شده است.

د تدبیر

اجتماعی و غیره بود و این پایه حرکت اروپا شد. در دهه ۷۰ وضع اقتصادی اروپا به خاطر بحرانهای ۲ گانه انرژی در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ بدشد و این ضربه شدیدی به اقتصاد اروپا زد و آنرا فلج کرد. فعالیت‌های اقتصادی تقریباً خوابید، بیکاری و تورم بالا بود و این یکی از پدیده‌های اواخر دوره ۷۰ در تمام جهان بود. در نتیجه اروپا به این نتیجه رسید که باید اقدامات جدیدتر و خون تازه‌ای به این پروسه بدهد، لذا یک سری مطالعات شروع شد و نتیجه مطالعات این شد که یک سری اقدامات رادیکال انجام بدهند از جمله اینکه تمام مرزهای اقتصادی و تعرفه‌های گمرکی را بردارند و تعرفه‌ها را یکسان کنند ولی موضوع پول هنوز باقی بود و بحث استاندارد کردن استانداردها هم مطرح بود. استاندارد کردن مجوزها یعنی مثلاً اگر فردی در آلمان اجازه داشت معماری کند، نمی‌توانست بطور اتوماتیک در فرانسه یا ایتالیا هم این کار را ادامه بدهد. و چون رفت و آمد بین کشورها زیاد شده بود، باید این موانع را از ریشه حذف می‌کردند، تا فعالیت‌ها بیشتر و کارآمدتر بشود.

روزی هستیم که ایالات متحده اروپا شکل بگیرد تا به عنوان یک واحد منسجم به آن نگاه کنیم.

جوامع مختلف اروپا، همبستگی‌ها و وابستگی‌هایی از زمان‌های قدیم داشته‌اند. این تشکل فعلی را باید در چهارچوب یک روند تاریخی و نه یک اجتماع ناگهانی نگاه کرد و این فوق‌العاده مهم است. این روند طولانی به عنوان همگرایی یا جهانی شدن عوامل متعددی دارد، از جمله روابط فرهنگی و مذهبی و زبانی و تجاری و اقتصادی و ... اینها باعث می‌شود که به تدریج کشورها به یکدیگر نزدیک شوند. در پاره‌ای از مواقع تاریخی افراد بخصوصی هم هستند که یک فشار اضافه به این روند وارد می‌کنند ولی آن فشار هم اگر باشد، این یک جریان طبیعی است که خودبخود پیش می‌رود. چراکه این به نفع همه است که از منابعشان بطور دسته جمعی استفاده کنند و تک روی نکنند. در سال ۱۹۵۷ قراردادی بین شش کشور اروپایی به عنوان «قرارداد رم» منعقد شد. (فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند، لوکزامبورگ و بلژیک) که یک قرارداد همکاریهای اقتصادی،

تدبیر - آقای دکتر ثقفی نژاد اقتصاد جهانی در حال سه قطبی شدن است یعنی قطب آمریکا، ژاپن و اروپا، گفته می‌شود اروپائیان یک انسجام درونی به خودشان خواهند داد تا بتوانند قدرت بیشتری پیدا کنند ۱ - برای اینکه در مقابل دو قطب دیگر بتوانند بایستند و ۲ - برای اینکه سهم بیشتری را از بازار جهانی به خود اختصاص دهند، ظاهراً پشت این مسایل اقتصادی، یک نوع تحمیل سیاسی هم می‌تواند حضور داشته باشد طبعاً نفوذ فرهنگی نیز قابل بحث است. لطفاً در مورد جامعه اقتصادی اروپا توضیح و آخرین تحولات آن را توضیح دهید؟

باتشکر از فرصتی که به من دادید از مجله تدبیر هم که یک مجله معتبر و علمی و قابل استفاده است تشکر می‌کنم، اما در مورد جامعه اروپا. این جنبش قبل از جنگ جهانی دوم شروع شد، رابرت شومان و ژان مونه، پدران جامعه اروپا هستند. بلافاصله بعد از جنگ دوم جهانی، یعنی در سال ۱۹۴۶ چرچیل یک سخنرانی در مونیخ کرد و گفت من منتظر

تدبیر: یعنی مجوز کاری که در فرانسه به کسی می‌دهند همان مجوز در بلژیک و هلند هم اعتبار دارد؟

بله چون هدف مطالعه این بود که موتور اقتصادی را دوباره راه بیندازند. البته در این فاصله شش کشور اولیه به ده کشور در سال ۱۹۸۶ و سپس به ۱۲ کشور رسید. آخرین اعضا هم اسپانیا و پرتغال بودند. در این موقع رئیس جدیدی برای کمیسیون جامعه اروپا انتخاب شد او ژاک دلور (G.DELOR) نام داشت. در این موقع یک بوروکراسی بوجود آمد این کمیسیون یکی از ارگانهای جامعه اروپاست.

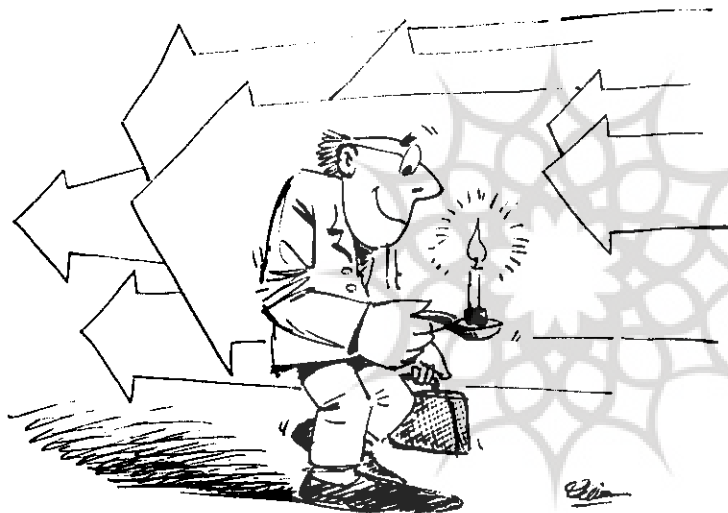
تدبیر: منظور از این جامعه، جامعه اقتصادی اروپاست؟

اول اسم آن جامعه اقتصادی اروپا بود (E.E.C) ولی به تدریج آن E وسط را برداشتند و این سمبلیک بود که بگویند، فقط یک جامعه اقتصادی نیستیم بلکه جامعه عام هستیم، یعنی جامعه اروپا (EC) راز چهارچوب اقتصادی در آوردند و ابعاد اجتماعی و سیاسی هم به آن دادند. در نتیجه الان وقتی صحبت از جامعه اروپا می‌شود منظور همان EC است که قبلاً EEC بود. این جامعه یک کمیسیون دارد که نقش اجرایی دارد و نمایندگان وزارت خارجه کشورها در آن شرکت می‌کنند، وزرای خارجه یک کمیسیون تشکیل می‌دهند و یک رئیس تمام وقت انتخاب می‌کنند. آخرین رئیسی که انتخاب شد ژاک دلور (DELOR) فرانسوی بود که معتقد به اصل اروپایی بودن است، یعنی نه فرانسوی نه آلمانی، بلکه اروپایی. همانطور که شاهد هستید همگرایی از افکار رهبران شروع می‌شود و بعد هم این افکار به دیگران سرایت می‌کند، و وقتی اعضای جامعه به اندازه کافی قبول کردند که واقعاً باید اروپایی فکر کنند در نتیجه این پروسه جلو می‌رود. یعنی از خود مردم نشأت می‌گیرد و ریشه آن به تمام افکار مردم باز می‌گردد.

به هر حال در اواسط ۱۹۸۰ برنامه‌هایی ابداع شد و طرحی داده شد که این طرح بعدها قانون واحد اروپایی نام گرفت و همه کشورهای عضو زیر آن را امضا کردند. این قانون، به «اروپای ۱۹۹۲» معروف شد و خیلی از لحاظ بازاریابی گل کرد.

حالا از لحاظ نرخ بهره و سیاست‌های پولی و مالی داخلی و قوانین مربوط به عدم اشتغال از نقطه نظر بازتشتگی، اجازه کار و استانداردهای مختلف تمام این مسایل بایستی حل می‌شد در نتیجه حدود ۲۹۷ روش کار درآوردند درست مثل یک قانون اساسی از قوانین مربوط به محیط گرفته تا قوانین اقتصادی و اجتماعی همه اینها وجود داشت و بعد گفتند هر کدام از اینها را باید به دقت مطالعه کرد. ضوابط مربوط به آنها را نوشتند و تدوین کردند و بعداً همه اینها باید از طریق قوانین داخلی همه ۱۲ کشور آنرا بپذیرند و بعد بصورت قانون درآید.

تبدیل شود و آنها جای پای در چهارچوب قوانین اروپا نداشته باشند. مثلاً در سوئد، کمپانی ولوو بارنو قرارداد بست. ولوو فکر کرد باید جای پای در فرانسه داشته باشد تا یک شرکت داخلی بشود. مثلاً نستله با گرانتی یک شرکت است. نستله که یک شرکت غذایی است یک شرکت انگلیسی را خرید، شرکت‌های آمریکایی و ژاپنی هم همینطور شروع کردند که در جامعه اروپا کارخانه بسازند. یکی از کارهایی که کمیسیون جامعه اروپا به ریاست دلور کرد این بود: به مردم دنیا اطمینان داد که نترسید، هدف ما این نیست حصار دور اروپا بکشیم ما می‌خواهیم قوانین مان را هماهنگ



\* جامعه اروپا یک بازار ۳۶۰ میلیون نفری است که ۳ برابر ژاپن و ۱/۵ برابر آمریکا جمعیت دارد و به همین دلیل فرصتهای زیادی برای استفاده کشورهای دیگر از این بازار وجود دارد.

کتیم و به آن یکپارچگی بدهیم تا کار شما آسانتر بشود، یک شرکت ایرانی فرضاً یا لبنانی یا برزیلی یا آمریکایی یا سوئدی اگر می‌خواهد به جامعه اروپا جنس بفروشد باید با ۱۲ سری قوانین مختلف آشنایی داشته باشد و ۱۲ استاندارد مختلف را مطالعه کند تا کالای مورد نظرش را بفروشد ولی با استاندارد واحد به تمام این بازار دسترسی خواهد داشت، یک بازار ۳۶۰ میلیون نفری که ۳ برابر ژاپن است و از نظر جمعیت ۱/۵ برابر آمریکا. بنابراین خیلی از لحاظ امکانات بازاری برای کشورهای

این پروسه هنوز هم ادامه دارد ولی موقعی که این ۲۹۷ قانون را نوشتند گفتند تا آخر سال ۱۹۹۲ تمام این قوانین باید در تمام سطح اروپا پیاده شود. بعد از پایان سال ۱۹۹۲ اروپای دوازده گانه بصورت یک واحد اقتصادی درمی‌آید. و اما بلافاصله بعد از اینکه این قانون واحد اروپا را گذراندند، باز هم از تلاش نایستادند. آمریکا و ژاپن و سایر کشورها، حتی کشورهای اروپایی که جزو جامعه اروپا نبودند، به دست و پا افتادند آنها می‌ترسیدند بعد از پایان سال ۱۹۹۲ اروپای دوازده گانه به یک حصار

مختلف فرصت‌های فراوان بوجود می‌آورد. یکی از قدم‌های خیلی مهم در دسامبر ۱۹۹۱ در ماستریخت برداشته شد. (ماستریخت شهر کوچکی در هلند که بین هلند و بلژیک قرار دارد). یک کنفرانس سران برگزار شد که در واقع هر سال ۲ بار این کنفرانس سران برگزار می‌شود یادآوری کنم که در ضمن ریاست کمیسیون در اختیار یک مدیر حرفه‌ای است ولی ریاست جامعه جنبه سمبلیک دارد و هر ۶ ماه تغییر می‌کند. شش ماه اول سال پرتقال بود و شش ماه دوم را انگلیس برعهده داشت. در ماستریخت گفته شد بعد از پایان برنامه قانون واحد، چه چیزهایی کسر داریم که باید انجام دهیم و این جا بود که معاهده ماستریخت نوشته و تصویب شد، اجلاس ماستریخت در حقیقت از همه معاهده‌های قبلی به استثنای قرارداد رم که در سال ۱۹۵۷ امضا شد، از همه مهم تر است، چراکه دامنه ارقام و مطالب آن خیلی وسیع تر و گسترده تر است. در معاهده ماستریخت بسیاری از مسایل مربوط به ادامه پروسه تا سال ۲۰۰۰ پیش‌بینی شد از جمله جنبه اجتماعی و البته بعد اقتصادی جایگاه خود را دارد سیاست خارجی و اقتصادی هم مطرح شد. پس می‌بینید که همه اینها یک شبه به وجود نیامده است.

تدبیر: ممکن است درباره جنبه اقتصادی

بیشتر توضیح دهید؟

این جنبه از جمله به یک واحد پولی مستقل مربوط می‌شود این واحد پولی بدون مقدمه و ناگهانی شکل نگرفت، اصل آن به سال ۱۹۷۱ و حتی قبل از آن باز می‌گردد. یعنی در رابطه با سیاست‌های پولی و مالی، بانکهای مرکزی این کشورهای ۶ گانه از همان آغاز باهم در تماس بودند تا سیاست‌هایشان را هماهنگ کنند، این همکاری در سال ۱۹۷۹ شکل خاصی به خود گرفت و از آن موقع واحد پول اروپا به وجود آمد. این واحد پولی بصورت فیزیکی وجود ندارد و در واقع سکه ضرب می‌شود این واحد پولی تقریباً یک سید است. در این سید ۳۰٪ مارک، ۲۰٪ فرانک فرانسه و به نسبت سهم اقتصادی در اندازه قدرت اقتصادی هر کشور وجود دارد. ولی بهرحال آنچه مهم است این واحد پول اروپا یک سید یا معیار مخلوط شده است که نماینده قدرت نسبی اقتصادی اعضای آن می‌باشد و بجای اینکه افراد از پول خودشان استفاده کنند در معامله با یکدیگر از آن واحد

عنوان یک بازیگر مهم و بزرگترین واحد اقتصادی در این چهارچوب مربوط می‌شود. آلمانها در طی تاریخ ۱۲ سال اخیر مرتب سعی کردند تا به اعضای دیگر اطمینان دهند که اول اروپایی هستند و بعد آلمانی. آنها به دلایل تاریخی مربوط به جنگ جهانی اول و دوم، می‌خواهند این اطمینان خاطر را به کوچکترها و بقیه ملل دنیا و به آمریکا بدهند که به دنبال تسخیر اروپا نیستند بلکه می‌خواهند یک جامعه اروپایی تشکیل دهند و قسمتی از این جامعه اروپایی باشند.



تدبیر: ممکن است دوباره به هماهنگی‌های داخلی بپردازید؟

\* دکتر ثقفی: به نظر من اتحاد اروپا نفع فراوانی برای ما دارد. چون در این صورت به جای اینکه با ۱۲ کشور طرف قرارداد باشیم، اگر بایک کشور قرارداد ببندیم با همه کشورهای کار می‌کنیم.

استفاده می‌کنند.

یکی از هدف‌های اقتصادی قرارداد ماستریخت این بود که حداکثر تا سال ۱۹۹۷ این واحد پولی اروپایی جانشین واحدهای ملتها شود برای این که این کار انجام شود مقدمات وسیعتری لازم است از جمله تاسیس یک بانک مرکزی اروپایی. این بانک که خیلی حساسیت سیاسی در مورد آن وجود دارد، چراکه بانک مرکزی در هر کشور نه تنها نبض اقتصاد را در دست دارد که اصلاً ترمز، کلاچ، اقتصاد و فرمان اقتصاد مملکت هم در دستش است. پول را می‌تواند کم یا زیاد کند، بهره را نرخ ارز را می‌تواند تغییر دهد. پس تاسیس یک بانک مرکزی به سادگی امکان‌پذیر نیست و مراحل مختلفی دارد و مراحل اولیه آن آنطوری که الان تصمیم‌گیری شده این است که اول به عنوان یک انستیتو شروع به فعالیت بکند و با بانکهای مرکزی ۱۲ گانه در تماس باشد و به تدریج آهسته آهسته نقش‌هایی را که بانکهای مرکزی ۱۲ گانه دارند به خود منتقل کند. البته در این چهارچوب مجموعه‌ای از مسایل داخلی مخصوصاً بین کشورهای بزرگتر یعنی بین انگلیس، فرانسه، آلمان وجود دارد و البته انگلیس‌ها بیشتر از همه با این مساله مخالفت دارند. مقداری از این مسایل به نقش آلمان به

بله الان در اروپای ۱۲ گانه ۲ گروه وجود دارد یک گروه کشورهایی که نبض اقتصادی آنها به تدریج با یکدیگر هماهنگ می‌شود و این کشورها عبارتند از آلمان، فرانسه، بلژیک، هلند و تاحدودی هم انگلیس، یک مقدار عقب‌تر هم ایتالیا. گروه دیگر شامل پرتقال، اسپانیا و یونان و ایرلند می‌شود. و این کشورها فقیرترند و نبض اقتصادی آنها طور دیگری می‌زند. برای این کشورها در قراردادهای ماده واحد و قرارداد ماستریخت استثنائاتی را قایل شده‌اند. مثلاً به پرتقال یا یونان ۱ یا ۲ سال بیشتر وقت دادند. شکاف درونی اعضا یک مساله مهم است. از نقطه نظر اجتماعی هم قرارداد ماستریخت بر این پایه بود که تمام رفت و آمدهای افراد در سراسر اروپا به نحوی باشد که مانعی در آن وجود نداشته باشد. از نقطه نظر سیاست‌های اجتماعی شما می‌توانید در یک کشور تمام عمرتان را کار کنید و در یک کشور دیگر باز نشتن شوید، و حقوق باز نشتن‌تان را هم از کشور دوم بگیرید. به عنوان یک حقوق‌دان شما محل کارتان در یک جاباشد ولی در یک جای دیگر زندگی کنید و بطور مستقیم به نمایندگان پارلمان اروپا که محل آن در استراسبورگ فرانسه است، رای می‌دهید این نمایندگان پارلمان بطور مستقیم

می‌توانند از سراسر اروپا کاندیدا شوند و سراسر اعضای جامعه ۱۲ گانه به آنها رای بدهند. از نقطه نظر سیاست خارجی هم که بعد سوم بود باید هماهنگی سیاسی و اقتصادی بوجود آید تا جامعه اروپا به عنوان یک واحد قانونی مستقل از اعضا بتواند با سایر کشورها و بلوکها و سازمانهای بین‌المللی قرارداد امضا کند و قوانین اروپایی را هم که از طریق پارلمان وضع می‌شود اجرا کند تا کسانی که باین جامعه سروکار دارند بایک واحد بخصوص در بروکسل سروکار داشته باشند نه با ۱۲ کشور مختلف. برای تمام این امور ضرب‌الاجل‌هایی تعیین شده ولی قبل از اینکه هیچکدام از مواد معاهده ماستریخت اجرا شود باید تمام کشورهای ۱۲ گانه اینها را قبول کنند. هر کدام از کشورها حق انتخاب دارند که به چه صورت آنرا قبول کنند. یا می‌توانند در پارلمان رای بگیرند، یا از طریق فراندوم یا از طریق دیگر.

دولت دانمارک اولین کشوری بود که فراندوم خود را در روز دوم ژوئن برپا کرد. دانمارک کشوری است با سطح زندگی بالا و درآمد ملی بالا و اقتصادش نیز خیلی پیشرفته است، اما از نظر جمعیت محدود است. جمعیت آن حدود ۴ یا ۵ میلیون نفر است. طبعاً هر چیزی خرج دارد از جمله اداره کردن یک جامعه ۱۲ عضوی و خرج آن هم باید از جیب مالیات دهنده پرداخت شود. هرچقدر ثروت و درآمد بیشتر باشد، بیشتر باید مالیات داد. در نتیجه دانمارکی‌ها گفتند چرا باید مثلاً به ایرلندیها پول و یاه اسپانیاییها پول بدهیم، اروپایی بودن حدی دارد، عده دیگری نیز گفتند نه. ما برای ادامه حیات اقتصادی باید این قدمهای پیشینی شده را به تدریج برداریم و چاره‌ای جز این نداریم. بحث وجدل‌های شدیدی در داخل دانمارک در گرفت و رأی نهایی هم خیلی به هم نزدیک بود، یعنی ۷/۵۰ درصد علیه تأیید قرارداد رأی دادند و ۳/۴۹ درصد برله قرارداد ماستریخت رأی دادند. از لحاظ رقم مطلق فرق این آرا بین ۲۴ هزار تا ۴۰ هزار رأی بود. البته وقتی که دانمارکیها علیه قرارداد ماستریخت رأی دادند به این معنا نبود که از قرارداد رم یا سایر قراردادهایی که قبل از ماستریخت امضا شده شانه خالی کنند. اصلاً دانمارک عضوی از این دستگاه است. هنوز هم دنبال فرمول‌هایی می‌گردند تا دوباره تأیید رأی دهندگان دانمارکی را بگیرند.

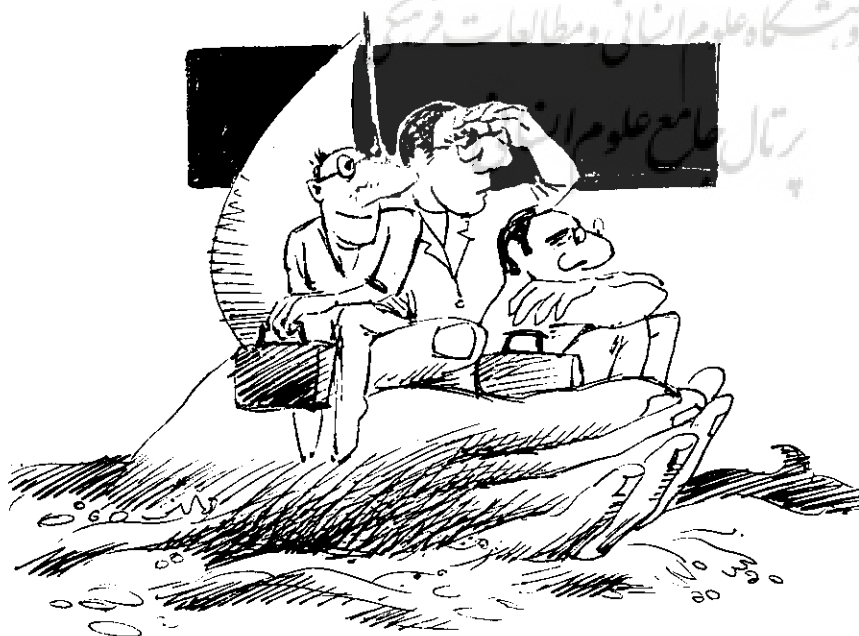
اما چطور شد که ایرلندیها ۲ هفته بعد، ۲ به یک به نفع قرارداد ماستریخت رأی دادند. در ایرلند مثل دانمارک مسائل داخلی و به ویژه مسئله سقط جنین می‌رفت تا این مسئله را تحت‌الشعاع قرار دهد. ایرلند یک کشور کاتولیک است و در آنجا سقط جنین از لحاظ مذهبی ممنوع است. و چون سیاست جامعه اروپا برله حق انتخاب است یعنی می‌گوید خود فرد باید انتخاب کند و مذهب نمی‌تواند چیزی را به او دیکته کند، این مساله باعث جنجال و اعتراض شد و بهانه به دست ایرلندیها داد تا برای مبارزه علیه تأیید قرارداد ماستریخت از آن استفاده کنند ولی در تحلیل نهایی ایرلندیها بقول معروف به جیب خود نگاه کردند و رأی دادند چرا که جامعه اروپا مقدار زیادی پول به ایرلندیها که فقیرند، می‌دهد. بنابراین ایرلندیها گفتند سقط جنین به جای خود ولی در عین حال ما می‌خواهیم عضو جامعه اروپا باشیم و ۲ به یک به نفع این قرارداد رأی دادند.

تدبیر: آقای دکتر، کشورهای جهان سوم و خود ما بطور مشخص، چطور می‌توانیم با این مسایل روبرو شویم؟ در نظر بگیرید وقتی قدرتهای اقتصادی را کنار هم بگذاریم، تضاد حساسی دیگر دخالت نخواهد داشت بلکه تضاد هندسی تأثیر دارد، یعنی دیگر ۲+۲ مساوی ۴ نیست، مساوی ۵/۵ است، چطور با این قدرت اقتصادی جدید باید روبرو شویم؟

این سوال بسیار جالب است برای مامساله مهم‌تر از همه است. اولاً وحدت اقتصادی اینها باعث نمی‌شود که به عنوان یک باند قویتر ظاهر شوند. انگار که ۱۲ نفر بودند و همه آنها یک نفر را انتخاب کردند که قدرت ۱۲ گانه را داشته باشد شرکتها همان شرکتها و مصرف کننده‌ها همان مصرف‌کننده‌ها هستند، دولتها هم همان دولتهای قبلی هستند. به نظر من این اتحاد برای ما نفع فراوانی دارد. اولاً بجای اینکه

هم قوانین دانمارک، هم قوانین هلند و هم قوانین ایتالیا و هم فرانسه و انگلیس را یکی یکی یاد بگیریم و خودمان را با آنها تطبیق بدهیم، حالا یک قانون را یاد می‌گیریم، و وارد یکی از این کشورها که شدیم، یعنی وارد تمام این کشورها شده‌ایم. بنابراین شرکت‌های ما می‌توانند یک پایگاه در یکی از این کشورها که به نفع‌شان باشد و بهتر آنرا بشناسند تاسیس کنند و از طریق آن پایگاه به تمام کشورهای ۱۲ گانه دسترسی داشته باشند. مساله به این صورت نیست که ما پشت یک میز بنشینیم و بگوئیم چون از ما قویتر هستید پس به حرفهای شما باید گوش کنیم. از این دید نباید نگاه کرد. باید به عنوان امکانات و فرصت‌های جدید به موضوع نگریست. از کشورهای دیگر هم می‌توانیم درس بگیریم. کشورهایی که رابطه با جامعه اروپا دارند و عضو وابسته به جامعه اروپا هستند. بهترین نمونه آن ترکیه است. چون ترکیه با ما

بقیه در صفحه ۶۴



## اتحاد اروپا...

بقیه از صفحه ۲۱

شبهات‌هایی دارد. بنابراین فکر می‌کنم برای ما خیلی لازم است که درس‌هایی را که ترکیه یاد گرفته است مطالعه کنیم. و به بینیم ترکیه در رابطه با کشورهای جامعه اروپا چه مشکلاتی داشته و چه اهدافی برای آینده دارد.

بین ایران، ترکیه و پاکستان یک معاهده وجود دارد مابین دو کشور و جوه مشترک فراوانی داریم. ولی امتزاجان محدود به این است که تعدادی پاکستانی برای زیارت به مشهد بیایند. و تعدادی ایرانی به ترکیه مسافرت کنند و ویزا برای اروپا بگیرند. و یا مقداری از محصولات ما از طریق ترکیه وارد اروپا بشود. اینها خیلی محدود است. چند ترک استانبولی فارسی بلدند، چند پاکستانی فارسی بلدند، چند ایرانی وجود دارد که اردو بلدند. در بطن موضوع مسایل بین افراد خیلی مهم است. در اروپا هر فرد معمولی حداقل دو زبان بلد است. البته برای آنها اجباری بوده چون کشورهایشان کوچک است و با یک قطار ۲ ساعته از ۳ کشور رد می‌شوند و ناچاراً یاد بگیرند. ما هم به علل اقتصادی ناچاریم که این تخصص‌ها و امکانات را ایجاد کنیم. و این درسی است که از لحاظ همگرایی می‌توانیم از جامعه اروپا بگیریم. در سطح دولتی برنامه‌های اقتصادیمان را هماهنگ کنیم.

برنامه‌های پولی و برنامه‌های وارداتی و تعرفه‌ای را هماهنگ کنیم و مثلاً اگر بازار مشترک بخواهیم درست کنیم، باید طوری باشد که اگر وارد کننده‌ای از طریق پاکستان جنس وارد می‌کند، تعرفه‌اش کمتر از آنکه از ایران وارد می‌کند نباشد.

تدبیر: در واقع توصیه شما این است که ما همکاریمان را با ۱۲ کشور بیشتر کنیم؟

بله نظر همین است چون درجهانی زندگی

می‌کنیم که تمام کشورها با یکدیگر مربوط شده‌اند. باید واقعیت‌های دنیا را در نظر گرفت. و آن سه بعد اقتصادی دنیا را که اول بحث به آن اشاره کردید، اینها به صورت طبیعی بوجود آمده است و چون آمریکا، اروپا و ژاپن اقتصادشان از همه قویتر است، طبیعی است بیشتر با همدیگر رابطه پیدا کنند. من معتقدم باید خودمان را برای شرکت در این بازی آماده کنیم.

تدبیر: وارد شدن در این بازی چه شرایطی دارد؟

باید خودمان را مجهز کنیم. یعنی سلاح لازم را داشته باشیم. از جمله سلاحها این است که با آن جامعه آشنایی پیدا کنیم و تمام جزئیات آن را بشناسیم. ساختمان و برنامه آینده‌شان را بدانیم تاریخ آنها چیست، از کجا آمده‌اند و به کجا می‌روند. اگر می‌خواهیم واقعاً با آنها هم بازی باشیم باید باین طرز فکر برویم که در هر معامله‌ای طرفین باید هر دوسو ببرند. آنها هم محدودیت‌هایی دارند. این محدودیت را بشناسیم و بطور دو جانبه معامله کنیم. اگر این کار را بکنیم ۲+۲ مساوی ۵ می‌شود و هر دو برنده هستیم. علاوه بر این سیاست‌های داخلی اقتصادی ما باید طوری باشد که یک هماهنگی طبیعی در آن وجود داشته باشد.

یک قسمت دیگر هم مساله کیفیت است. کیفیت کالاها و خدمات، در خدمات ایران باید فرهنگی بوجود آید که افراد به کاری که می‌کنند اعتقاد داشته و به آن علاقه‌مند باشند و به صورت یک آدم حرفه‌ای وظیفه‌شان را انجام بدهند. این چیزی نیست که روی کاغذ بنویسیم و بگوییم ما آدمهای حرفه‌ای هستیم. این را باید عملاً نشان داد و تجربه و زمان می‌خواهد شناخت این موضوع خیلی حیاتی است و

قدمهایی هم که این مسایل را تصحیح می‌کند حیاتی است و به سرعت باید انجام شود. منتها بی صبری هم نباید نشان داد. ما باید اول راه رفتن را یاد بگیریم تا در مسابقه دو شرکت کنیم.

تدبیر: به عنوان آخرین سوال آنها با چه شرایطی با کشورهای جهان سوم می‌توانیم همکاری کنیم؟

اصلاً دامنه عمل بای بک خیلی محدود است. در شرکت‌های مشترک و تاسیس آن، انگیزه عمیق‌تری وجود دارد. روابط دوجانبه در این چهارچوب روابطی دراز مدت و طولانی است. یعنی وقتی یک شرکت ژاپنی در ایران بایک عده سرمایه‌گذار داخلی بصورت ۵۰ و ۵۰ سرمایه‌گذاری کرد. می‌خواهد ۱۵، ۱۰ سال و شاید هم بیشتر بماند. به شرط اینکه شرایط آماده باشد.

کاری که ما باید بکنیم این است که واقعیت‌ها را درست نگاه کنیم. این وظیفه ماست که بگوئیم مملکت ما با ثبات است و رشوه در آن نیست، قوانین هم قابل پیش‌بینی است.

کنترل ارزی هم وجود ندارد، قیمت ارز خارجی هم براساس بازار است، سیستم‌های مالیاتی هم عادلانه است و مقرراتی وضع کرده‌ایم که برای شما امتیازاتی در اوایل کار قابل است و تا مدت معینی هم ادامه دارد و انتظار مابین این است که بعد از این برای شما بازار پول‌ساز وجود داشته باشد. به نظر من ایجاد شرکت‌های مشترک بین ایران و کشورهای دیگر می‌تواند فوق‌العاده مفید باشد. برای اینکه امکان این را به شرکت‌های ایرانی می‌دهد که به بازارهای خارجی دسترسی داشته باشند. یک شرکت کوچک ایرانی امکان این را ندارد که در ۱۵۰ کشور دنیا محصولات خود را بفروشد ولی اگر بایک شرکت بزرگتر دست به دست داد و روابط حسنه مفید و اعتماد ایجاد شد، برای شرکت ایرانی این امکان هست که محصولات خود را در چندین کشور دنیا از طریق این شرکت مختلط بفروشد. در حقیقت ما، یک شرکت ایرانی با همکاری یک شرکت بین‌المللی می‌تواند از قدرت بین‌المللی آن شرکت استفاده کند و وارد شبکه آن شود.

وقتی هم جزیی از شبکه شدید، بنابر

۸

\* برای اینکه یک واحد پول اروپایی جایگزین پول کشورهای عضو شود، تاسیس یک بانک مرکزی ضرورت دارد. اما تاسیس این بانک به سادگی امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل تصمیم گرفتند ابتدا یک انستیتو که با بانکهای مرکزی ۱۲ کشور در تماس باشد، ایجاد کنند.

\* ما باید با این جامعه آشنایی پیدا کنیم. جزئیات آن را بشناسیم و از برنامه‌های آینده آنها اطلاع پیدا کنیم تا بتوانیم در معاملاتمان با آنها هر دو طرف سود ببرند.

است که امکانات ایجاد می‌کند. از رقابت باید استقبال کنیم.

تدبیر: پس در واقع شما توصیه می‌کنید که همه این مسائل برای صنعت و اقتصاد ایران از عوامل مثبت به شمار می‌آید؟

بله می‌توانید به این عوامل بصورت صددرصد مثبت نگاه کنید. البته می‌توان به این عوامل بصورت منفی هم نگاه کرد، اگر عینک مورد استفاده تار باشد. مثلاً کشورهای بلوک شرق تا چند وقت پیش این بحث را داشتند. حالا نتایج آن را می‌بینیم. وقتی جلو رقابت گرفته شود، وقتی از معیارها بطور غیر اساسی و غیر قابل پیش‌بینی استفاده شد، حاصل آن این است که یک مقدار منابع مملکت در حقیقت به هدر می‌رود. زمان هم مساله‌ای فوق العاده مهم است. اگر از همین امروز شروع نکنیم یک روز را از دست داده‌ایم. □

دستیابی به بازار است. و همانطور که گفتم شرکتهای کوچک می‌توانند از طریق همکاری با شرکتهای بزرگ‌ترین امکانات را به خدمت خود در آورند.

تدبیر: فکر نمی‌کنید اروپای شرقی الان برای ما یک رقیب است آنها احتمالاً می‌توانند زودتر از ما وارد این بازار شوند؟

نه تنها کشورهای اروپای شرقی و اروپای مرکزی بلکه تمام دنیا رقیب ماست - ما باید دنیا را به عنوان رقیب بشناسیم منتها در یک رقابت سالم. اصلاً ما باید رقابت را بپذیریم. رقابت

استعداد و امکانات خود - با آموزش در مراحل مختلف کار - می‌توانید استفاده کنید، وقتی می‌بینید استفاده‌ای نیست طلاق می‌گیرید.

مثلاً فکر می‌کنم در زمینه‌های تولیدی برای بازرگانی خارجی امکانات زیادتری وجود دارد هم در صنعت پتروشیمی و هم در صنایع تولیدی سبک. برای اینکه بازارهای مصرفی دنیا خیلی گسترده شده است سرعت و تجارت بین‌المللی از تولید ملی کشورها بیشتر است. یعنی مردم بیش از پیش با یکدیگر تجارت می‌کنند. و این تجارت هم بر اساس سود متقابل است. البته این یک جنبه مسئله است جنبه دیگر

#### راهنمای اشتراک

- 1- بهای اشتراک سالانه مجله برای داخل کشور (برای ده شماره در سال) بابت عادی مبلغ ۶۵۰۰ ریال و بابت سفارشی مبلغ ۷۵۰۰ ریال و برای خارج از کشور ده دلار خواهد بود.
- 2- اشتراک سالانه برای استادان دانشگاهها، دانشجویان و معلمان با ارسال کپی کارت معتبر یا پنجاه درصد تخفیف همراه خواهد بود.
- 3- حق اشتراک سالانه مجله رابه حساب ۷۱۷۰۳ بانک ملت شعبه جام جم (قابل برداشت در کلیه شعب بانک ملت)
- 4- برای اشتراک ماهنامه تدبیر، اصل یا کپی فرم زیر را پس از تکمیل به همراه اصل فیش بانکی به آدرس تهران - خیابان ولی عصر، نیش جام جم، سازمان مدیریت صنعتی، دفتر مجله تدبیر ارسال دارید.

#### فرم اشتراک

در این قسمت چیزی نوبند  
شماره اشتراک

به پیوست فیش بانکی شماره ..... به مبلغ ..... ریال بابت حق اشتراک یکساله مجله تدبیر (برای ده شماره) ارسال میشود. خواهشمند است مجله را برای مدت یکسال از شماره ..... به نشانی زیر بفرستید.

ضمناً قبلاً مشترک بوده ام  نبوده ام

نام و نام خانوادگی ..... نام شرکت / موسسه .....

نام

نام خانوادگی

سن ..... تحصیلات ..... حرفه .....

نشانی .....

کد پستی ..... صندوق پستی ..... تلفن .....